

آیا اکوتوریسم روشی مطمئن برای حفاظت از محیط‌زیست است؟

مردم‌قدیری یا **ختابناسانی**

سال‌هاست که اکوتوریسم به‌عنوان راهی مطمئن برای حفاظت از منابع طبیعی و همچنین ایجاد درآمدی برای مردم محلی معرفی شده‌است. ولی آیا حضور مردم در هر جابه‌اسم «طبیعت‌گردی بدون دریا» امکان‌پذیر است و آیا اکوتوریسم برای هر منطقه و موقعیتی بی‌ضر است؟
اکوتوریسم اولین بار در سال ۱۹۹۱ معرفی شد و مخاطب‌های زیادی را جذب کرد. واژه اکوتوریست به افرادی گفته می‌شود که برای لذت بردن از طبیعت و رها شسندن از مدرنیته و زندگی روزانه با کوله‌سار کوچکی راهی طبیعت می‌شوند و غیر از ردپای کوچکی که بر زمین می‌گذارند، هیچ گونه آسیبی از حضورشان به طبیعت نمی‌رسانند.
این ایده با استقبال شگرفی روبه‌رو شد و به طوری که در طی دهه ۱۹۹۰ رشد اکوتوریسم دوبرابر شد و در حالی که توریسم تنها به‌عرد رشد یافت گسترش این صنعت در مکان‌هایی که گونه‌های جانوری باشکوه و زیبا وجود داشتند- گونه‌هایی همچون پاندا در چین- که برای مردم جذابیت فراوان دارند، بیشتر است. اکوتوریسم بازدید از طبیعت است ولی اساس و درون مایه آن توسعه پایدار است و به همین دلیل بسیاری بنفص و دوستدار با طبیعت به نظر می‌رسد. از اهداف ارجح دیگر برنامه‌های اکوتوریسمی، مشارکت مردم محلی است. اکوتوریسم علاوه بر ایجاد مشارکت مردم بومی (اشتغالزایی و ایجاد درآمد) و همچنین بسزایی در جذب توریست خارجی و سرمایه‌های آنها دارد به طوری که در کشوری همچون کاستاریکا اکوتوریسم دومین منبع اصلی درآمد کشور است.
در حال حاضر بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته یا در حال توسعه همچون کشورهای افریقای بی‌میزبان اکوتوریست‌های اروپایی و آمریکایی هستند. در کنار همه نکات مثبت اکوتوریسم، اکولوژیست‌های بسیاری معتقدند که در آمد حاصل از این نوع فعالیت‌ها در مقابل تاثیرهای مخرب وارده به طبیعت در مقیاس بزرگ ناچیز است.
عده ای، اکوتوریسم را نقطه مقابل حفاظت از طبیعت نامیده‌اند چه بسا که به واسطه بازدید، امکان معرفی انسان به نقاط دور از دسترسی با تحریب انسانی کمتر فراهم می‌آید؛ انسانی که حضورش رویه اصلی طبیعت را بر هم می‌زند. برخی اکوسیستم‌ها به‌خصوص جزایر و کوه‌ها، جزه زیستگاه‌های شکننده هستند، که در صورت عدم کنترل تعداد بازدیدکنندگان و فشار ایجاد شده توسط انسان، به سرعت رو به تخریب می‌روند.بسیاری از اکولوژیست‌ها ریشه این مشکلات را در عدم تعریف درست از اکوتوریسم می‌دانند؛ چرا که عده‌ای که تنها به اکوتوریسم به دید اقتصادی نگاه می‌کنند، برای راحتی بازدیدکنندگان احداث هتل در یک منطقه را ضروری می‌دانند ولی این ساخت و ساز با معیارهای اصلی اکوتوریسم از جمله توسعه پایدار منافع بسیار دارد. «پلوارده» در سال ۱۹۹۶ چهار معیار محیط‌زیست را بازدید، سرمایه‌گذاری، اکولوژی و اقتصاد نامید. این چهار معیار در عین ارتباط متقابل باید تعریف و کنترل شوند.
از جمله عواملی که موجب شکست رابطه اکوتوریسم و طبیعت می‌شود را می‌توان تغییر زیستگاه طبیعی نامید. تعداد زیاد بازدیدکننده‌ا، ایجاد جاده‌های دسترسی حتی جاده‌های فرعی و خاکی و فرسایش خاک عوامل اصلی تخریب اکوسیستم‌ها هستند.
عامل دیگر عدم مشارکت مردم بومی و نانمانسب بودن کاربری اراضی توسط آنها است. اکوتوریسم می‌تواند موجب کاهش گونه‌های جانوری مخصوصا گونه‌های بزرگ از جمله گوستخوارها و نیز موجب تغییر رفتار گونه‌ها شود.
مرد دیگر، هزینه ورود به این طبیعت است که بسبب بااهمیت بودن چه بسا که نه تنها در آمد حاصل صرف حفاظت خود منطقه می‌شود و نیز می‌توان قسمت‌های بیشتری را تحت حفاظت قرار داد، بلکه می‌توان رضایت افراد بومی مشارکت‌کننده را بهتر جذب کرد.
در بسیاری از نقاط دیدنی ایران، هزینه ورود به مناطق در مقابل هزینه بالای رسیدن به مقصد (هزینه زمان و هزینه سوخت و آلودگی ایجاد شده توسط آن) بسیار ناچیز است. به ازای چنین درآمد ناچیزی، صیانت و نگهداری بسیار ضعیفی نیز صورت می‌گیرد. در سال‌های اخیر بسیاری از ایرانی‌ها به سفرهای خارجی و صرف هزینه‌های زیاد در کشورهای همسایه می‌پردازند، در صورتی که ورودی هر یک از مکان‌های دیدنی به طور متوسط ۲۰–۱۵ دلار است، اما هزینه ورودی برای بازدید از مکان‌های طبیعی ایران (همچون غار «کلته خور») حداکثر ۲۰۰ تومان و حتی کمتر است که بسیار ناهماهنگ و ناعادلانه است.
شیرمدن چنین نکاتی نشان دهنده ناکارآمدی صنعت اکوتوریسم نیست، بلکه اهمیت مدیریت و نظارت از نشان می‌دهد. بی‌شک مدیریت مناسب مناطق مورد نظر، به‌صورتی که تعداد توریست براساس ظرفیت منطقه تعیین شود و فعالیت‌ها(از جمله نحوه اسکان) در نظر قرار گیرد و همچنین از مردم محلی جهت حفاظت از منطقه مورد نظر استفاده شود، کمک شایانی به پیشرش اهداف اصلی خواهد بود.

منبع:سبز پرس

نگته

انتقال پساب شهر ری و جنوب تهران به دشت و رومین و ری

معاون برنامه‌ریزی استاندار تهران گفت: در صورت تصویب طرح کشت داروهای گیاهی، این طرح به‌صورت پایلوت در شهرستان لار اجرا شده و پس از آن در کل استان توسعه می‌یابد.
تعمد الله ترکی در گفت‌وگو با ایسنا افزود: با توجه به اینکه مرکز مطالعات ملی پنبه در استان تهران فعالیت می‌کند، طرحی به دفتر توسعه کشاورزی مبنی بر کشت گونه‌های داروهای گیاهی استان ارائه شده‌است. وی بخش لار را آماده کرده و در صورت تصویب طرح، به‌صورت پایلوت اجرا خواهد شد و پس از آن در کل استان و در قالب طرح توسعه کشاورزی به‌صورت سراسری اجرا می‌شود.
معاون برنامه‌ریزی استاندار تهران همچنین گفت: یکی دیگر از برنامه‌هایی که در طرح کشت داروهای گیاهی استان مورد تأکید قرار گرفته، انتقال پساب شهری و منطقه جنوب تهران به دشت ری و رومین است که این طرح با همکاری بخش خصوصی انجام خواهد شد.

۷ متخلف شکار و صید در قزوین دستگیر شدند

مدیر کل حفاظت محیط‌زیست استان قزوین، گفت: مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست اداره کل، موفق و آویج در حین عملیات کنترل و اجرای مبرکات شکار و صید در زیستگاه‌های وحش این شهرستان‌ها موفق شدند تعداد ۷ متخلف شکار و صید را که بر خلاف مقررات مبادرت به شکار و صید غیر مجاز کرده بودند، دستگیر کنند.
فرهادی اضافه کرد: در حال حاضر پرونده متخلفین به‌سررسی و صدور حکم تحویل مراجع قضایی شده است.

عضو هیات رئیسه فرانسویون محیط‌زیست و توسعه‌ پایدار مجلس، وزارت نیرو را متولی اصلی حل خشک‌شدن دریاچه ارومیه دانست و گفت: تعال دولت در نجات دریاچه ارومیه غیر منطقی است لذا دولت باید برای نجات محیط‌زیست و به‌تبع آن سلامت مردم اهمیت قائل شود.
مهرداد بانوج لاهوتی در گفت‌وگو با خانه ملت، با انتقاد از کم‌توجهی مسئولان به وضعیت بحرانی دریاچه ارومیه، تصریح کرد: متأسفانه با وجود اختصارات و تعیین ردف‌های بودجه مشخص، هنوز هیچ اقدامی برای نجات این دریاچه انجام نشده است.
با بیان اینکه برای نجات دریاچه ارومیه نمی‌توان به شرایط جوی

واکنش به نظر برخی کارشناسان در مورد اولویت توسعه بر محیط‌زیست:

جنگل را به‌خاطر آدم‌ها حفظ کنیم

— **الیه موسوی** —



عکس:حجت‌سپهوند

هفته گذشته مصاحبه‌ای با عنوان «انسان مهم‌تر در درخت است» در این صفحه منتشر شد که واکنش‌هایی را به دنبال داشت. واکنش‌هایی که تحت دو عنوان مطرح شدند. مسائل مطرح شده در محیط‌زیست در دل خود داشت. رویکردی که مشخص می‌داند، چهره ماندگار کشور و استاد نمونه در گفت‌وگو از روندی گفتند که به نظر کارشناسان بیشتر به تخریب محیط‌زیست کشور می‌انجامد.

- درخت برای انسان**

محمد درویش، کارشناس امور جنگل و مرتع به آرمان می‌گوید: «در اینکه ارزش انسان بیشتر از درخت است هیچکس تردیدی ندارد و هیچ فعال و متخصص محیط‌زیست نیز در این مساله شکی ندارد. اتفاقا اگر فعالان محیط‌زیست نیز بر حفظ اندوخته‌های گیاهی تاکید می‌کنند به این دلیل است که حفظ اندوخته‌های سرزمین منجر به پایداری بوم‌شناسختی و اکولوژیکی سرزمین می‌شود و وقتی سرزمین از نظر شاخص‌های اکولوژیکی پایدار باشد تمام زیست‌مندانی که در آن سرزمین زندگی می‌کنند و از جمله انسان‌ها، از آن منتفع خواهند شد. بر این اساس این جمله نباید به‌عنوان یک ستادویز برای طبیعت ستیزان و کسانی که با این عنوان می‌خواهند روند پاکتازی جنگل‌ها را افزایش بدهند قرار بگیرد. این تقض غرض است. اینکه ما بگوییم چون «انسان مهم‌تر از درخت است؛ بنابراین برای رفاه او می‌توانیم درخت را قطع کنیم» این یک تناقض بزرگ است؛ چرا که قطع کردن درخت بزرگ‌ترین مخاطره و برای رفاه انسان دارد. او در ادامه تاکید می‌کند: «اگر برخی تمایل دارند که بروند و البرز را ببینند خوب است سوار هلیکوپتر شوند و آنجا را ببینند. اما وقتی که ما جاده می‌کشیم در حقیقت میلیون‌ها گونه گیاهی و زیستمند را از بین می‌بریم، محیط‌زیست آنها را از نظر اکولوژیکی دچار گسست می‌کنیم؛ ارتباط آنان را با هم قطع می‌کنیم و این مساله سبب تشدید فرآیند

دریاچه ارومیه در یک‌قدمی مرگ

کشور بسنده کرد؛ گفت: به‌طور حتم بهترین راه برای حل مشکل این دریاچه برگرداندن شرایط زیست‌محیطی به دوران گذشته است.
بانوج لاهوتی با اعلام اینکه علت اصلی خشک‌شدن دریاچه ارومیه قطع آب سرشاخه‌های متصل به این دریاچه است، افزود: به‌اکتو اتصال رود رس در دریاچه ارومیه می‌تواند یکی از راه‌ها پیش روی برای نجات این منبع زیستی به شمار برود.
وی وزارت نیرو را متولی اصلی حل خشکسالی دریاچه ارومیه دانست و افزود: به‌طور حتم این وزارت‌تخانه باید نخست علت اصلی این مشکل را شناسایی کند و سپس در جهت حل مشکلات این دریاچه وارد عمل شود.

باید ابتدا ارزیابی زیست‌محیطی صورت بگیرد. به همین صورت هم اول ارزیابی زیست‌محیطی آنهام توسط متخصصان بی‌طرف این رشته انجام بدیم؛ بعد بایسیم درخت را قطع کنیم و جاده بسازیم.»
این استاد محیط‌زیست دانشگاه گوتینگن آلمان در ادامه درباره ساخت جاده زیرین گل در جوار جنگل ابر گفت: «مانی که اولین خبرها درباره جنگل ابر و ساخت جاده در نزدیکی آن مطرح شد بنده در مصاحبه با نشریات گفتم حیف است که جنگل ابر هم قرار است چنین جاده‌ای آنجا ساخته شود ابتدا باید مطابق با قوانین، ارزیابی محیط‌زیستی انجام شود و بعد منطبق با استانداردهای علمی این کار اجرا شود.
خاطرم هست وزیر راه آن زمان اعلام کرده بود که حیاتی را برای انجام این ارزیابی انتخاب می‌کند. بنده در پاسخ به ایشان گفتم که این هیات را شما نباید انتخاب کنید؛ بلکه آنها باید یک عده متخصص امر ارزیابی محیط‌زیست باشند و باید از جانب سازمان محیط‌زیست تایید شوند؛ افرادی بی‌طرف باشند و قضاوت کنند. طبیعی است که شما که خود می‌خواهید مجری باشید چگونه می‌خواهید هم از ارزیابی بی‌طرف باشید؟»
پی‌کنش گفت: «بنکه فقط به منافع اجرای طرح‌ها نگاه کنیم و آسیب‌ها را از نظر دور بداریم منطقی نیست. اینکه بگوییم این راه را درست کنیم رونق فلان منطقه زیاد می‌شود؛ این کارخانه پتروشیمی را بزنیم، اشتغال ایجاد می‌کند. این می‌شود مصداق زیرابرو گرفتن و چشم‌کور کردن.»
آمارهای دولتی می‌گویند ۳۲ تا ۳۳ میلیون هکتار در فلات مرکزی ایران زمین داریم که می‌شود با اندکی هزینه و زحمت تبدیل به زمین کشاورزی، باغ، مرتع و.. شود.
دکتر پی‌کنشی می‌گوید که ما تمام اینها را رها کرده‌ایم و آمده‌ایم یقه پارک ملی گلستان، جاجرود، جنگل ابر و دیگر اکوسیستم‌های ارزشمندمان را گرفته‌ایم. این استاد بین‌المللی دانشگاه در ادامه گفت: «آخرین نصیحت به شما این است که در دوستان بزرگوارم این است که در کاری که تخصص نداریم دخالت نکنیم. بنده بارها برای سخنرانی یا تدیسر در رشته‌های جانبی مثل باغ یا رشته بیوشور دعوت شدم. رشته‌هایی که درباره‌شان اطلاعات زیادی هم داشتم و منابع کافی فراوانی نیز برابم داشت. اما چون تخصص نداشتم قبول نکردم.»
پروفیسور علی پی‌کنشی با بیان اینکه طبق تحقیقات پروفیسور گابریل و پروفیسور بوبک در دهه ۵۰ میلادی داشته‌اند، ما در ایران در ۲ هزار سال پیش در حدود ۹۰ میلیون هکتار جنگل داشته‌ایم؛ در حالی که اکنون صحتی از ۷ تا ۱۰ میلیون هکتار است که اگر آمار واقعی را بخوایم ۲۵ میلیون هکتار بیشتر نیست گفت: «انسان مهم است؛ اما طبیعت در دست ما امانت خداست و باید آن را درست حفظ کنیم. انسان اشرف مخلوقات است؛ اما در قرآن هم آمده که «هر زمین را در اختیار تو قرار ادم تا از آن استفاده ببری؛ ولی تخریب نکن و به‌صورت امانت دیوار به من بازگردان.»
اگر بخوایم طبیعت را تخریب کنیم آیا می‌توانیم در کویر زندگی کنیم؟
الان در کویر مرکزی ایران می‌توانیم دیگر زندگی کنیم؟

دکتر علی پی‌کنشی دکترای محیط‌زیست و پایه‌گذار دیارتنام محیط‌زیست دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۳ درساره ورود برخی متخصصان به حوزه‌های غیر تخصصی می‌گوید: «درباره جنگل‌ها باید تخصص داشت؛ آنگاه نظر داد. درست مانند تمام رشته‌های دانشگاهی دیگر.» او درباره نظر مدافعان جاده سازی‌ها در این زمینه می‌گوید: «من هم مدعی آنم. حالا اثری که سوار یک ماشین ۸ سیلندر بشوم و مرا به نوک قله معاونت برساند؛ آرزو بر جوانان صعب نیست ۴۰درصد از وسعت ۱۶۵ میلیون هکتاری آن برهنه طرح‌ها را بررسی کرد و در نظر داشت. بنده نه مانند دوست گرامیم آقای کردوانی با این مسائل برخورد احساسی می‌کنم و نه تعصبی. من می‌گویم هر جا هر کاری را می‌خواهیم انجام دهیم حتی درختکاری، استفاده از آن اعتدال را رعایت کنیم.»

بررسی پدیده خشونت در حیات وحش در گفت‌وگو با دکتر ضیایی:

از نظر احترام به حیات وحش در رتبه خوبی نیستیم



توسط مردم کشته می‌شوند. ذخیره وحش ما به حساب می‌آیند که تولد یک قفله از آنها سخت‌ترین و غیرممکن‌ترین کار است اما به راحتی اسلحه را به طرف‌شان نشانه می‌رویم. من معتقدم که در این تقصیه مردم عادی کمترین تقصیر را دارند. تا وقتی که به آنها در این زمینه آموزش داده نشود نمی‌توان توقع برخورد درست را داشت اما وقتی که کسی آموزش

می‌بیند، علاقه و میزان حمایتش از حیوانات آقدر زیاد می‌شود که ممکن است حتی شکار را هم ترک کند. در حال حاضر زیاده حفظان حیات وحش ایران را شکارچیان قدیمی تشکیل می‌دهند که روزی بالاخره با اهمیت حیوان‌های وحشی پی‌برده‌اند.

- آیا نمی‌شود با ایجاد جرمیه‌های سنگین‌تر افراد را وادار به برخورد بهتر با حیات وحش کرد؟**

در حال حاضر بسیاری از گونه‌های حیات وحش کشور کشته می‌شوند منتها تنها تعداد معدودی از آنها به خاطر عکس یا فیلمی که از صحنه جنایت گرفته شده، رسانه‌ای می‌شود. کشتن یک حیوان علاوه بر جرمیه قضایی، به خاطر آسیب رساندن به محیط‌زیست ایران، جرمیه حقوقی هم دارد اما متأسفانه در بسیاری موارد پیدا کردن مسئول اتفاق

چهارشنبه ۲۶ مهر ۱۳۹۱ / شماره ۲۰۳۰

گزارش اجتماع

یادداشت

توجه به گونه‌های حیات وحش

- معضله اینکار ***

ایران به دلیل اینکه یکی از زیست بوم‌های جانوری مناسب برای گونه‌های مختلف جهان و محل تلاقی این اقلیم‌هاست یک فرصت استثنایی برای ما به وجود آورده تا بتوانیم در توسعه پایدار همه‌جانبه پیشگام باشیم اما برای این پیشگامی باید تنوع زیستی مان آنگونه که لازم است حفظ کنیم چراکه اگر این تنوع زیستی آسیب ببیند به دنبالش آسیب‌های زیادی را در مسائل مختلف محیط‌زیست کشور تجربه خواهیم کرد. حمایت از تنوع زیستی یک اصل است که در مدیریت صحیح آن نیاز به توجه خاص است. به همین دلیل است که ما برنامه‌ها و مقررات، قوانین و سیاست‌های ملی درباره فضول غیر شکار و عدم به‌کارگیری سلاح غیرمجاز در اختیار داریم که باید در جهت حفظ گونه‌های جانوری به‌کار ببینیم. اجرای این سیاست‌ها و وقت در به‌کارگیری آن از سوی دستگاه‌های مسئول و نظارتی اهمیت فراوان دارد و در کنار آن موضوع فرهنگ‌سازی هم بسیار مهم است.
درواغ باید جوامع محلی و مردمی که کنار این مناطق و گونه‌های جانوری زندگی می‌کنند را نسبت به اهمیت، فواید و ارزش‌هایشان آگاه کنیم.
در نبود آگاهی کافی در این زمینه ممکن است شاهد به وقوع پیوستن این گونه حوادث ناگوار به کرات باشیم. متأسفانه در مساله فرهنگ‌سازی و آگاه کردن مردم نسبت به بحث تنوع زیستی در سال‌های اخیر کاری انجام نداده‌ایم. اگر باز هم برخی نگویند که این اظهارات موضع‌گیری و نقد است باید گفت واقعت این است که نسبت به آگاه سازی و حساس سازی مردم یا توجه به تنوع زیستی در سالهای اخیر خوب کار نکرده‌ایم و این موارد در اولویت برنامه ریزی‌ها نبود و همیشه اولویت‌های دیگری مطرح بوده است.
در ترویج و توسعه ایسن فرهنگ که حفظ و نگهداری گونه‌های جانوری به‌عنوان یک مساله فرهنگی که در زندگی ما تاثیرگذار است و زندگی ما نیز در آن تاثیر گذار است توانستیم موفق عمل کنیم. درحالی‌که فرصت‌های بسیار زیادی در این زمینه داشته و داریم ولی از نظر اجرایی نتوانسته‌ایم کار شاخصی انجام دهیم. پیش از این در قانون برنامه چهارم توسعه، بندی را در جهت ساماندهی غیرمجاز اضافه کردیم و موفق شدیم ستاد مشترکی را با همراهی نیروهای مسلح تشکیل بدیم و در این جلسه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی را برپایه با مدیریتی شکار غیر مجاز انجام دادیم. این تکلیفی بود که در راستای اجرای برنامه چهارم توسعه باید اجرا می‌شد اما هیچگاه هیچ کس سوال نکرد چرا این بند از قانون که به نام قفله با سلاح غیر مجازبود چرا به اجرا درنیامد. از این سو هم در زمینه فرهنگ سازی و اجرای مقررات، فرصت‌های زیادی وجود دارد.
به همین دلیل اگر مردم از روی نا آگاهی با حیوان غیراھلی مواجه می‌شوند ممکن است رفتار خونی از خود نشان ندهند و ما باید برای همزیستی مردم با گونه‌های جانوری راه‌هایی را پیدا کنیم. این کاری بود که در دولت‌های هفتم و هشتم به‌عنوان سیاست‌های ویژه دولت به اجرای آن می‌پرداختیم و آشناسنی جوامع با گونه‌های جانوری از جمله محال خود به سوبسله سازمان‌های مردم نهاد پیش آمد. اگرچه در این حاضر انجمن‌ها غیر دولتی زیادند. این کاری بود وجود دارد که کار می‌کنند اما به این دلیل که آنچنان که باید کار کنند و حمایت شوند، حمایت نمی‌شوند در حاشیه قرار گرفته‌اند، در حالی‌که این انجمن‌ها در سطح ملی و به‌ویژه در سطح محلی می‌توانند بسیار موثر باشند و رفعا در دست با گونه‌های جانوری را به مردم جوامع محلی بیاومزند.

«رئیس کمیته محیط‌زیست شورای شهر تهران

دیدگاه

لطفاً مصاحبه نکنید!

- عباس محمدی ***

در مورد مصاحبه با دکتر پرویز کردوانی که در روزنامه آرمان با عنوان «انسان مهم‌تر از درخت است» چاپ شده، مایلیم فروتنانه به دکتر کردوانی پیشنهاد دهم که لطفا مصاحبه‌کننده یا لااقل در مصاحبه‌هاشان حرف محیط‌زیست را نزنند. به مصاحبه‌کننده یادآور می‌شوم که کردوانی هیچ کجا خودش را مدافع محیط‌زیست نخوانده و برعکس، بارها و بارها، انسان را در برابر محیط‌زیست قرار داده است. کافی است به همین جمله «بدن انسان و توانمندی آن از درخت واجب‌تر است» که در مصاحبه یاد شده بر زبان آورده دقت کنید. گذشته از آن که در این جمله، منطقی دیده نمی‌شود (چرا که در آن دو چیز ماهیتا متفاوت با هم سنجیده نشده است، مانند این که مثلا بگوییم: میز بهتر از آهن است)؛ اما اگر با کمی مسامحه جمله را به این صورت معنا کنیم که برای گزارشی مناسب، انسان، می‌توان درختانی را هم قطع کرد در آن صورت به تناقض درونی این جمله پردازی می‌رسیم که چگونه ممکن است درخت را با تمام فایده‌های مسلم‌اش برای سلامت انسان، در مقابل او قرار داد؟!
در واقع، جمله کردوانی چنان است که به خواننده یا خواننده القا می‌کند: یا انسان، یا درخت! کردوانی همه‌جا تأکید می‌کند که «انسان حق استفاده از طبیعت را دارد» و برای استفاده از طبیعت هم حق هرگونه دستکاری در آن را دارد، حتی برای آن‌که آدم‌های مسخ بتوانند «بالای کوه البرز» را ببینند، جایز است که تا آن بالا «دیگ جاده وصلاتی» کشید.
با این توضیح، کردوانی عزیز هر چه باشد، یک چهره محیط‌زیستی نیست. او در عین حال، در استدلال‌های خود، پیوسته استفاده‌هایی را که می‌توان از طبیعت برد، به‌مدست‌ترین و انواع (مانند فروش چوب درختان جنگلی یا مواد معدنی کویر) محدود می‌کند.
از سوی دیگر نسبت به مدافعان محیط‌زیست سربلند سریع و مستقیم می‌توان برد، بی‌توجهی می‌کند. به این ترتیب، در هر ذهن ساده‌پسندي این گزاره شکل می‌گیرد که خوب، بهره‌برداري از طبیعت حق ما انسان‌هاست. این ما هم به خود، بهره‌برداري از طبیعت می‌شود. اما، خروجی آن در عالم واقع، میدان دادن به نه حتی آدم‌های نسل حاضر، بلکه به قطع یک گروه کوچک است که امکان سود بردن از طرح‌هایی مانند طرح جنگل‌داری یا طرح تأمین آب یا طرح‌های توسعه گردشگری را دارند؛
طرح‌هایی که در واقع طرح جنگل‌کاری، طرح انتقال آب یک ناحیه به ناحیه دیگر و در طرح ساخت و ساز در یک مکان ذاتا برچانه‌بد (سا هدف جذب بودجه) هستند. این‌گونه اظهارنظر‌ها، با توجه جاده‌سازی در جنگل ابر یا در پارک ملی کویر و دیگر طرح‌های مشابه، در واقع هرگونه بهره‌برداری زودبازده را که بهره‌اش طبعاً نصب محفل خاص تجاری خاص می‌شود، توجیه می‌کنند.
اشکال بزرگ در این بحث‌ها این است که حکم‌هایی صادر می‌کند که معلوم نیست بر چه پایه علمی و منطقی قرار دارند. اما آنها را چنان قاطع به رخ مخاطب می‌کشند که درست به نظر می‌رسند. وقتی می‌گوید: «فازنی وجود دارد که می‌گوید در تقسیم آب، اول انسان بعد صنعت بعد کشاورزی و در نهایت اگر چیزی ماند سهم محیط‌زیست شود.» در حالی که چنین قانونی وجود ندارد و فقط با کمی تأمل می‌توان دریافت که این توالی کاملاً ساختگی است، چرا که انسان و مصرف‌بای صنعتی و کشاورزی‌اش را به اضافه محیط‌زیست باید در پیوند با یکدیگر و به‌صورت حلقه‌ای تو در تو (نه به دنبال هم) دید.
این قانون فقط قاعده‌ای است که هیچ ارزشی برای خود محیط‌زیست قائل نیست… بحث مفصل‌تر در این مورد را به فرصتی دیگر موکول می‌کنم.

«کشنگر محیط‌زیست